



سرویس های
وبژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۴/۱۹

بازیابی ساختار فضایی و شکل باغ فردوس شمیران*

حمیدرضا جیحانی** سمیرا منصوری***

چکیده

در دوره قاجار، هم به واسطه علایق و خصوصیات قومی و هم به دلیل سنت‌های تداوم یافته دربار، باغ‌سازی مورد توجه فراوانی واقع شد. در تهران که در آن زمان پایتخت و محل حضور شاه، درباریان و شاهزادگان بود، باغ‌های پرشماری ساخته شد. باغ فردوس از جمله این باغ‌ها بود که پس از ورود محمدشاه قاجار به تهران، توسط یکی از درباریان در نزدیکی قلعه محمدیه پی‌ریزی شد. این باغ سالیان بسیاری مورد توجه بود و خاندان معیرالممالک و مالکان دیگر باغ در تکمیل و بهسازی آن می‌کوشیدند. اکنون از باغ جز عمارتی که توسط دوست‌علی‌خان معیرالممالک در آن ساخته شده و در حال حاضر به موزه سینما اختصاص یافته و قسمتی از باغ اطراف این عمارت چیزی باقی نمانده است.

اگرچه بخش‌های گسترده‌ای از باغ منفک شده و تغییر کاربری یافته است، به نظر می‌رسد بنا به مجموعه اسناد و مدارک باقی مانده می‌توان ساختار اصلی باغ و شکل آن را بازیابی کرد. در این مقاله تلاش می‌شود با مطالعه متون و اسناد تاریخی و بررسی وضعیت باقی مانده باغ و بافت شهری پیرامون آن، محدوده باغ و ساختارهای درون آن بازشناسی شود. کنار هم قرارگیری اطلاعات توصیفی و تصویری به دست آمده و انطباق آنها بر وضعیت موجود شهری، خطوطی از چهره اصلی باغ فردوس را نشان می‌دهد. بهره‌گرفتن از خطوط باقی مانده در بافت موجود و حذف برخی عناصر متأخر برای نیل به نتیجه ضروری بوده است.

نتیجه یافتن اطلاعات و قراردادن آنها در نقشه امروزی نمایش ساختار فضایی باغ است، شکل مرکب آن را آشکار می‌سازد و تاحدودی سیر تغییر و تحولات آن را گوشزد می‌کند. این نتایج نشان می‌دهد که باغ فردوس به مرور در پهنه‌ای وسیع در محدوده شمیرانات و در قالب سه بخش باغ اصلی، باغ اندرونی و باغ قلمستان شکل گرفته است. باغ اصلی ساختارهای متنوعی داشته که یا هم‌چون عمارت باقی مانده تغییرات وسیعی کرده یا مانند سردر شمالی به کلی تخریب شده است. نحوه عبور خیابان پهلوی (ولیعصر) از درون عرصه باغ و تبدیل فضای باغ به یک بافت شهری از دیگر نتایج طرح است.

کلیدواژه‌ها: باغ فردوس، شمیران، ساختار فضایی، معیرالممالک، دوره قاجار.

* این مقاله بخشی از نتایج طرح پژوهشی درون دانشگاهی با عنوان «بازیابی شکل و ساختار فضایی باغ‌های تاریخی قاجاری براساس مطالعه و پژوهش باغ فردوس شمیران» است که با شماره ثبت ۸۹۹/۱۲ و ذیل قرارداد شماره ۹۰-۲۰/۵۷۱ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ و با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان به انجام رسیده است.

** دانشجوی دکترای مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

smansouri88@gmail.com

*** کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناهای تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول)

مقدمه

توسعه شهر تهران چه در درون حصار ناصری و چه در بیرون آن، سرنوشت بسیاری از باغ‌های قاجاری را دستخوش تغییرات گسترده کرده است. یکی از این نمونه‌های پرشمار باغ فردوس شمیران است که خوشبختانه بخش کوچکی از آن باقی‌مانده است. این بخش باقی‌مانده و پارکی که خیابان اصلی باغ و درختان آن را دربرگرفته و تا امروز به حیات خود ادامه داده، باعث شده است که این باغ به فراموشی سپرده نشود. این حضور باغ در شکل جدید، در عین حال موجب شده است تا تصویری از باغ در ذهن ایجاد شود که چندان با اصل خود انطباق ندارد. این پژوهش با رجوع به منابعی که در ادامه معرفی می‌شود، تلاش دارد تا ساختار و شکل کلی و در عین حال اصیل باغ را بازیابی و معرفی نماید.

این پژوهش بخشی از یافته‌های یک طرح پژوهشی است. هدف طرح یادشده کسب تجربه در زمینه بازیابی ساختارهای شکل‌دهنده باغ‌های قاجاری به صورت عام و بازیابی شکل کلی باغ فردوس به صورت خاص بوده است. پرسش اصلی تحقیق تا به آنجا که به این پژوهش مربوط می‌شود، به این صورت قابل طرح است که با توجه به تغییر و تحولات باغ فردوس در دوره قاجار و پس از آن و با در نظر گرفتن آنچه امروز از آن باقی‌مانده است، شکل اصیل باغ چگونه بوده و نحوه هم‌نشینی آن با بستر و محوطه اطراف به چه صورت بوده است.

روش تحقیق

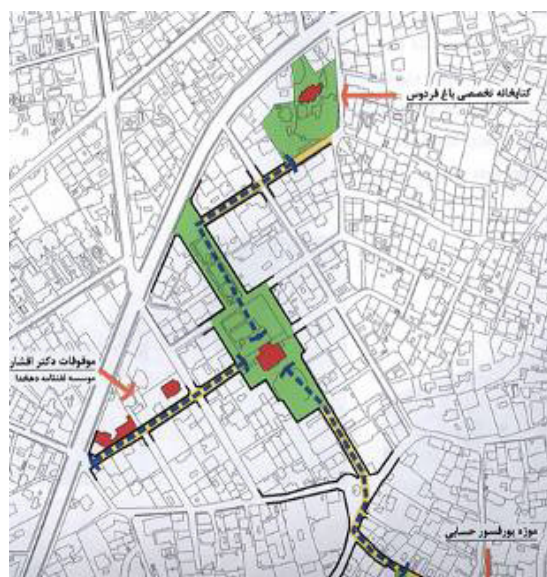
تحقیقی که این پژوهش بخشی از نتایج آن است، بر مبنای اسناد و مدارک تاریخی و همچنین پیمایش‌های میدانی و در پنج گام صورت گرفته است. در نخستین گام، اثر مورد نظر در گسترده‌ترین وضعیت، مورد توجه و بررسی قرار گرفته و تغییرات ایجادشده در بستر و عرصه باغ مطالعه شده است. یافتن اسناد و مطالعه و تحلیل آنها دومین مرحله از تحقیق را تشکیل می‌دهد. در طی این دو گام بررسی و بازخوانی اجزاء و عناصر باغ، به‌ویژه آنها که در ساختار آن اهمیت بیشتری داشتند، صورت گرفته است. در سومین گام تلاش گردید تا از اجزا و بخش‌های مذکور، لایه‌های اطلاعاتی قابل بازشناسی استخراج شوند. پیدا کردن و نمایش ساختار فضایی که عنصر قوام‌دهنده و تشخیص‌دهنده باغ محسوب شود، مرحله‌ای است که پیش از بازیابی شکل اصلی صورت گرفت. هر دو مرحله یادشده بر مبنای انطباق لایه‌های اطلاعاتی و تحلیل محتوای آنها انجام گرفته است.

نگاهی به باغ فردوس

در این بخش به موقعیت قرارگیری باغ فردوس در شهر تهران در گذشته و امروز و نحوه شکل‌گیری آن پرداخته می‌شود. همچنین با توجه به مدارک و اسناد موجود، سیر تحولاتی که در این باغ اتفاق افتاده، بررسی و وضعیت امروزی آن بازگو می‌شود.

موقعیت و نحوه شکل‌گیری

باغ فردوس نامی است که در حال حاضر به پارک و محوطه مشجر کوچکی در حوالی تجریش گفته می‌شود که موزه‌سینما در آن قرار دارد (تصویر ۱). مطالعات نشان می‌دهد که باغ فردوس، نامی بسیار قدیمی‌تر از یک پارک امروزی بوده است. با نگاهی به متون و اسنادی که در آنها به این باغ اشاره شده، می‌توان دریافت که آنچه اکنون به آن باغ فردوس اطلاق می‌شود، تنها بخشی از این باغ وسیع و تاریخی است. آن گونه که در اسناد تاریخی اشاره شده، به‌طور کلی اراضی میان اسداباد و ولنجک (از طرف شمال) و الهیه (از طرف جنوب) و دره تجریش (از طرف مشرق) و محمودیه (از طرف مغرب)، جزء زمین‌های این باغ بوده است (معمدی، ۱۳۸۱: ۳۴۱). حتی ممکن است نام باغ فردوس، پیش از آبادانی این باغ به آبادی یا محله‌ای در خارج از حصار تهران و حوالی تجریش اطلاق می‌شده است و بعدها برای این باغ به کار رفته باشد. اعتمادالسلطنه در بیان وقایع سال ۱۲۶۳ ق. بیان می‌کند که جدّ معیر الممالک به دستور محمدشاه در حوالی اسداباد و ولنجک اقدام به برپایی قلعه



تصویر ۱. نقشه موقعیت باغ فردوس در تهران کنونی (کلی، ۱۳۸۸)



مالکیت آنهاست. بخش اعظم زمین‌های باغ پس از تغییر مالکیت برای ساخت بناهای مسکونی استفاده شده‌اند، بخشی از جنوب باغ برای ساخت مدرسه تفکیک شده است؛ و قسمتی از آن هم به عنوان «مؤسسه لغت‌نامه دهخدا» و «مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران» مورد استفاده قرار می‌گیرد. تنها ردپایی که دنبال کردن آن، ساختار اصیل باغ را نمایان تر می‌کند، درختان کهنسال باغ هستند که در جای‌جای باغ امروزی و حتی بیرون از آن در کنار خیابان‌های اطراف دیده می‌شوند. همان‌طور که بعداً در بخش مربوط به خیابان‌ها گفته خواهد شد، برخی از خیابان‌های امروزی بر خیابان‌های اصیل باغ منطبق هستند.

نگاهی به سیر تحولات باغ

همان‌طور که در بخش پیشین گفته شد، باغ فردوس پس از قلعه محمدیه برای یکی از درباریان محمدشاه ساخته شد. ستوده حاج‌میرزا آقاسی را پایه‌گذار این باغ می‌داند و چنارهای کهن باغ را یادگار حسنعلی‌میرزا حاکم وقت تهران برمی‌شمارد^۴ (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۱۶). در جغرافیای تاریخی تهران همین مطلب مورد اشاره قرار گرفته با این تفاوت که نام حاکم تهران حسنعلی‌میرزا ذکر شده است.^۵ دوست‌علی‌خان معیرالممالک شروع ساخت این باغ را به‌گونه‌ای دیگر روایت می‌کند: «چون حسینعلی‌خان معیرالممالک^۶ وزیر مالیه و خزانه سلطنتی بود و ... و می‌بایست گاه و بی‌گاه در حضرت باشد، لازم دید محلی مناسب نزدیک قلعه محمدیه برای خود و کسانش تأمین نماید. بنابراین، چند خانه رعیتی و مقداری زمین زراعی و بایر را از صاحبانش خریداری نمود و به ایجاد ساختمان، خیابان بندی و درخت‌کاری همت گماشت. عمارتی دوطبقه به‌سبک آن دوران - که "فیلگوش" نامیده می‌شد - بنا نهاد و آنجا را "باغ فردوس" نام گذاشت» (معیری، ۱۳۵۲: ۵۳۰). با این حال، همه متون و اسناد تاریخی بر این مدعا که دوران مالکیت دوست‌علی‌خان نظام‌الدوله، فرزند حسینعلی‌خان، دوران طلایی باغ بوده و در این زمان بسیار به باغ و زیبایی آن اهمیت داده می‌شده است، صحنه می‌گذارند. عمارت بسیار زیبایی که در حال حاضر نیز در باغ به‌چشم می‌خورد، توسط نظام‌الدوله در بخش جنوبی باغ فردوس ساخته شده است.

پس از نظام‌الدوله، باغ فردوس نیز مانند مناصب و مشاغل دولتی و بخش بزرگی از دارایی‌های خانوادگی به پسرش دوست‌محمدخان رسید؛ اما ظاهراً دوست‌محمدخان

محمدیه کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۱۶۶۳). در این نوشته، اعتمادالسلطنه از باغ فردوس در کنار اسدآباد، که یک محله بوده، نام برده که پیش از برپایی باغ محمدیه وجود داشته است. عبدالله مستوفی نیز در کتاب «شرح زندگانی من» به این نکته اشاره می‌کند (مستوفی، ۱۳۶۰: ۵۱).

ممکن است که باغ فردوس نام محدوده‌ای باشد که هم‌چون بسیاری از محلات تجریش یا شمیران نام خود را از آبادی‌هایی گرفته باشند که پیش از یکپارچه‌شدن شمیران و اتصال آنها به یکدیگر در آنجا وجود داشته‌اند.^۱ بنابراین، باغ فردوس را نیز می‌توان یکی از این آبادی‌ها دانست که پیش از ساخته‌شدن باغ، به‌همین نام به‌عنوان محل ییلاقی خوش‌آب‌وهوا مکانی شناخته‌شده بوده است. وقتی محمدشاه در سال ۱۲۶۴ ق. شروع به ساختن قصر محمدیه در شمیران کرد، هریک از رجال دربار او در همان حدود اقدام به احداث باغ و عمارت ییلاقی کردند؛ از جمله این باغ‌ها باغی در نزدیکی تجریش بود که بعداً نام باغ فردوس بر آن نهاده شد (معتمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). منوچهر ستوده نیز اشاره می‌کند که این باغ دارای چندین دستگاه ساختمان مجلل و با عظمت بوده که یکی از آنها قصر محمدیه نام داشته است (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۱۶). بنابر گفته ستوده، باغ فردوس مکان وسیعی بوده که قصر محمدیه را نیز در خود جای می‌داده است. لذا این‌طور برمی‌آید که در باغ فردوس - که محلی در شمیران بوده است - دو باغ ساخته شد، یکی برای محمدشاه که محمدیه نام گرفت و دیگری برای یکی از درباریان^۲ که باغ فردوس نامیده شد. بعدها باغ محمدیه متروک و مخروبه شد اما باغ فردوس تا مدت‌ها پس از آن آباد ماند.

وضعیت موجود باغ

امروزه آنچه با نام باغ فردوس شناخته می‌شود، تنها بخش کوچک و تغییر یافته‌ای از ساختار اصیل باغ است. عمارت اصلی باغ اکنون به موزه سینما تبدیل شده و از استخرهای آن اثری باقی نمانده است. در پی این تغییر کاربری، تغییراتی نیز برای همساز شدن باغ و عمارت اصلی آن با کاربری جدید رخ داده که چهره باغ را دگرگون کرده است؛ از جمله این تغییرات می‌توان به ساخت بناهایی ناسازگار با ساختار اصیل باغ و مداخلاتی در بنای اصلی باغ فردوس اشاره کرد.^۳

یکی دیگر از تغییرات، تفکیک زمین‌های باغ و تغییر

نگاهی به بستر و عرصه باغ

آن طور که از فراین برمی آید، در دوران قاجار باغ‌های فراوانی خارج از حصار شهر تهران توسط شاه و افراد متمکن و پرنفوذ ساخته می شده‌اند. باغ فردوس یکی از همین باغ‌هاست که در ناحیه شمیران واقع شده است و در زمان ساخت خود، در یکی از روستاهای حاشیه تهران که به خوش آب و هوا بودن و مناظر زیبا شهرت داشته، ساخته شده است. پیش از این دیدیم که محمدشاه برای فرار از شهر در اوقات گرم دستور داد باغی را بسازند که باغ فردوس کنونی یا بخشی از آن یا در کنار آن هم زمان با باغ یا قصر محمدیه ساخته شد. به مرور در اطراف باغ فردوس باغ‌های دیگری نیز ساخته شد و چهره آن محل از حالت ساده و بی پیرایه بومی خود به صورت ترکیبی از باغ‌های اشرافی تغییر شکل داد.^{۱۲}

بنابراین، می توان منظر بستر قرارگیری باغ فردوس را به صورت محوطه‌ای با باغ‌های متعدد و آب و هوای عالی تصور کرد که خانه‌های زیادی در آن خودنمایی نمی کنند و صدای پرندگان در سراسر آن به گوش می رسد و همین خصوصیت باعث رونق شکار پرندگان در این منطقه شده است.^{۱۳} علاوه بر همه این ها، باغ فردوس به دلیل محل قرارگیری و موقعیت آن نسبت به شهر تهران قدیم چشم انداز خوبی از دورنمای شهر داشته است. بنجامین، وزیر مختار وقت آمریکا در ایران، اشاره می کند که مکان باغ برای مناظر دشت‌های تهران زمینه بسیار خوبی است و چشم انداز از اینجا نیز خیلی خوشایند است (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۶۸).

باغ در محدوده تجریش و شمیران واقع شده و شیب زمین آن از شمال غربی به جنوب شرقی است. تندی این شیب در محدوده مجاور بنای اصلی به حدی است که کف طبقه اول بنا با قسمت جنوبی باغ و سقف آن با قسمت شمالی باغ هم سطح است. زمین وسیع و پر شیب سمت جنوبی عمارت را با ساختن سنگ چین‌ها به صورت هفت قطعه مسطح درآورده بودند که هریک از این قطعه‌ها با دیگری چند متر اختلاف سطح داشت (معیری، ۱۳۵۲: ۵۳۰). باغ فردوس بنابر متون مستند شامل دو باغ بیرونی و اندرونی می شده است. باغ بیرونی همان باغی است که اغلب بانام باغ فردوس مورد بحث قرار گرفته و عمارت موجود کنونی نیز در این باغ قرار داشته است. اما باغ اندرونی آن طور که گفته می شود، در سمت جنوب غربی باغ فردوس قرار داشته و احتمالاً هم دوره باغ فردوس است.

که فردی خوش گذران و بی مبالا بود، به امورات باغ نیز توجه چندانی نشان نمی داد. اعتمادالسلطنه در شرح خاطرات خود در سال ۱۳۰۴ ق. این مسئله را بیان می کند: «... هجده سال بود این باغ را ندیده بودم. تمام درخت‌ها افتاده، عمارت خراب شده، درحقیقت وادی برهوت! آن وقتی که نظام‌الدوله معیرالممالک در این باغ بودند، سجده گاه مردم بود ...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۵۶۹).

اغلب مدارک بر این مطلب تأکید می کنند که دوست محمدخان بیش تر املاک پدری را فروخت و پول حاصل از آن را در سفرهایی که به فرنگ داشت، خرج کرد.^{۱۴} پس از دوست محمدخان باغ چندین بار دست به دست شد. این که اول بار چه کسی باغ را از دوست محمدخان خریده است و تاریخ دقیق تغییر مالکیت‌های باغ مشخص نیست؛ اما ستوده تعدادی از مالکان کوتاه مدت باغ را نام می برد.^{۱۵} محمدولی خان سپهسالار تنکابنی، آخرین مالک باغ، آبادانی‌های بسیار در این باغ انجام داد؛ از جمله این که قنات باغ را دایر کرد و سردر باغ را از نو بنا کرد (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۱۹). وی در اوایل دوره پهلوی اول به دلیل بدهی‌های بسیار و توقیف اموالش دست به خودکشی زد و براساس مدارک یافت شده وارثان سپهسالار باغ فردوس را به جای بدهی پدر خود به تجارتخانه طومانیانس واگذار کردند. پس از آن در همان دادگاه این باغ به جای طلب دولت از تجارتخانه طومانیانس، در اختیار وزارت دارایی یا مالیه آن زمان درآمد. به علت این که خریداری برای فروش کل باغ پیدا نشد، وزارت مالیه تصمیم گرفت تا زمین‌های باغ را به صورت اقساط به کارمندان دولت بفروشد؛ به جز عمارت باغ فردوس و ۲۰۲۵۰ مترمربع زمین وابسته به آن و بیست ساعت آب از قنات فردوس که در سال ۱۳۱۵ ش. به وزارت معارف فروخته شد. عمارت پس از تعمیر به عنوان دبیرستان برای رفاه همان کسانی که زمین‌ها را خریده بودند کاربری جدید یافت.^{۱۶} پس از انقلاب اسلامی آنچه از باغ فردوس باقی مانده بود، در اختیار مرکز فیلم سازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت.^{۱۷}

بازخوانی سیمای اصیل باغ

در این بخش تلاش می شود تا با توجه به مدارکی که از باغ در دست است، وجوه اصیل آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. برای این منظور اجزاء مختلف باغ به طور جداگانه بررسی می شود و سپس ساختار آن در گذشته و در حال حاضر مورد توجه قرار خواهد گرفت.



تصویر ۲. عرصه باغ فردوس و باغ‌های وابسته به آن براساس تطبیق خیابان‌های قدیمی باغ با خیابان‌های کنونی؛ (نگارنده، عکس: Google Earth)

می‌توان گمان برد که زمانی جزئی از محدوده باغ بوده‌اند^{۱۵}، آن‌چنان که در تصویر (۲) دیده می‌شود مشخص کنیم، مساحت محدوده مشخص شده بسیار نزدیک به مساحت ذکر شده است.^{۱۶}

ورودی‌ها و خیابان‌های باغ

باغ فردوس با توجه به موقعیت قرارگیری و هم‌جواری آن با باغ‌های دیگر و مسیرهای رفت‌وآمد احتمالاً ورودی‌های متعددی داشته است. ستوده در مقاله «باغ فردوس» به هفت ورودی باغ اشاره می‌کند؛ دو در در شمال، سه در در جنوب، یک در در مشرق و یک در در مغرب (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۲۰). با توجه به این‌که باغ فردوس تقریباً هم‌زمان با قصر محمدیه و به‌قصد نزدیکی به دربار ساخته شد، بنابراین دور از ذهن نیست که ورودی اصلی باغ نیز در ضلع شمال آن که نزدیک به این قلعه است، قرار داشته باشد. محمدعلی معیری نیز اشاره کرده است که در بزرگ ورودی باغ فردوس به‌فاصله تقریبی دویست قدم آن‌سوی قلعه محمدیه واقع بود (معیری، ۱۳۷۶: ۲۶۲). عکسی که در سال ۱۲۹۴ ق. برداشته شده است نیز همین سردر را نشان می‌دهد (تصویر ۳). با توجه به جهت شیب زمینی که در عکس دیده می‌شود، وجودداشتن هیچ درختی در پشت بنای سردر و جهت ورودی اتاق‌های عمارت سردر که مسلماً باید از داخل باغ باشد، این نکته فهمیده می‌شود که عکس مورد بحث از داخل باغ و رو به سردر

اندرونی باغ فردوس در سمت جنوب غربی باغ واقع بود و «رُشک بهشت» نامیده می‌شده است (معیری، ۱۳۵۲: ۵۳۰). قلمستان نیز یکی دیگر از باغ‌های شمیران است که اکنون از بنای متأخر و موجود در آن محل به‌عنوان کتابخانه استفاده می‌شود. دوست‌علی معیری در کتاب «وقایع‌الزمان، خاطرات شکاریه» ذکر می‌کند که این باغ جزء باغ فردوس بوده است. درهرحال، پس از تفکیک و تجزیه باغ و فروش قطعات آن و خیابان‌کشی‌های جدید شهر، عرصه اصیل باغ ازهم گسیخته شده است. اگرچه احتمالاً برای آسان‌تر شدن کار یا به‌هر دلیل دیگر، خصوصاً درابتدای کار برای تقسیم قطعات از خطوط کلی موجود در باغ پیروی می‌شد و خیابان‌های شهری نیز تقریباً بر خیابان‌های موجود در باغ منطبق بودند، اما به‌تدریج با تجزیه بیشتر قطعات و فروش دوباره و چندباره آنها^{۱۷} و احداث خیابان‌های جدیدی مانند خیابان پهلوی (ولیعصر)، خطوط اصلی باغ کم‌رنگ شدند به‌گونه‌ای که در حال حاضر عرصه اصیل باغ به‌آسانی قابل شناسایی نیست. با تطبیق مساحت گزارش‌شده در دادگاه انتقال مالکیت باغ به دولت در زمان پهلوی اول با عکس‌های هوایی و نقشه‌های حال حاضر باغ و محدوده پیرامون، می‌توان حدود واقعی باغ را حدس زد. این مساحت با درنظرگرفتن باغ‌های قلمستان و اندرونی است که بنابر اسناد جزء باغ فردوس محسوب می‌شده‌اند. اگر حدود باغ قدیم را با توجه به امتداد خیابان‌های موجود باغ و خیابان‌هایی که

بخش میانی نمای عمارت اصلی هستند، به طور دقیق در محور عمارت مذکور یا دست کم در تقارن منظری با آن قرار گرفته باشند. با تمام این توصیفات می توان نتیجه گرفت که این رواق بخشی از یک سردر خانه است که خود در بر شمالی محوطه نیم دایره ای میدانگاه جنوب باغ ساخته شده است. روشن است که چنین ساختاری در معماری دوره قاجار نا آشنا به نظر نمی آید. دست کم نمونه ای از این نوع بنای سردر را می توان در ورودی کاخ سبز در مجموعه سعدآباد تهران مشاهده کرد.^{۱۷}

تنها نکته ای که در این مسئله وجود دارد، زمان احداث سردر است که ستوده آن را در زمان سپهسالار یعنی آخرین مالک باغ می داند؛ با توجه به نقاشی بنجامین در سال ۱۳۰۱ ق. و زمان مأموریت وی در ایران و با در نظر گرفتن این که در این زمان باغ هنوز متعلق به دوست محمدخان معیرالممالک است، می توان حدس زد که احتمالاً سپهسالار که بعد از ۱۳۲۹ ق. باغ را خریداری کرده، سردر مخروبه باغ را تعمیر کرده یا سردری جدید به جای آن ساخته است.

همان طور که در قسمت مربوط به عرصه باغ نیز تاحدودی توضیح داده شد، ساختار باغ و به خصوص محل های قرارگیری خیابان های آن، به مرور دچار تغییراتی شد و مخصوصاً پس از آغاز فروش زمین ها، این تغییرات شدت یافت و به مرور با تقسیم زمین های آن و توسعه شبکه عبور و مرور، خیابان های اصیل باغ در بافت جدید محو شدند ولی با این حال قطعات مهمی از باغ مانند عمارت اصلی و قسمت هایی از باغ اطراف آن که در زمان فروش زمین های باغ تصمیم به محافظت



تصویر ۳. عکسی از سردر باغ که در سال ۱۲۹۴ توسط احمد قاجار برداشته شده است؛ (سمسار، ۱۳۸۶: ۲۱۳)

برداشته شده است و با توجه به منظره کوه پشت سردر که در حال حاضر نیز در چشم انداز شمالی باغ قابل مشاهده است، می توان حدس زد که سردری که در عکس دیده می شود، در شمال باغ قرار داشته است.

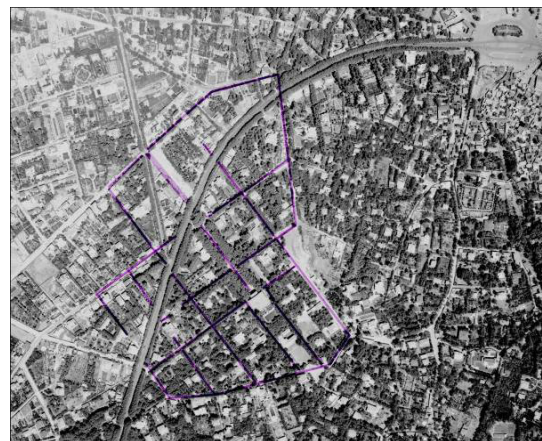
همان طور که در سطور پیشین آورده شد، بنا به روایت اسناد باغ ورودی دیگری نیز در سمت جنوب داشته است. منوچهر ستوده اشاره می کند که سپهسالار عمارت و باغ را آباد و قنات آن را دایر کرد و سردری عالی در جلوی میدانگاه فعلی (مظهر قنات) ساخت (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۱۹). در عرصه قدیم باغ فردوس می توان دو مظهر قنات در شمال و جنوب باغ مشاهده کرد. اگر قناتی را که در این نوشته از آن یاد شده است، قنات جنوبی باغ فرض کنیم که در زمان سپهسالار برپا شده است، میدانگاهی که ستوده در سال ۱۳۶۵ از آن به عنوان میدانگاه فعلی صحبت می کند، به احتمال بسیار زیاد همان میدانگاهی است که در منتهی الیه جنوبی باغ و در مرز میان آن با منطقه الهیه قرار دارد (تصویر ۱). بنابراین احتمالاً منظور ستوده از سردری که سپهسالار ساخته، سردری است که در بر میدانگاه جنوب باغ قرار داشته است. ساموئل بنجامین که در فاصله سال های ۱۳۰۱-۱۳۰۳ ق. در ایران حضور داشته، در میان نقاشی هایی که از ابنیه مختلف ترسیم کرده، ساختمان رواق گونه ای را نیز تحت عنوان «ورودی باغ فردوس» ترسیم کرده است (تصویر ۴). در ورودی در این نقاشی دیده نمی شود اما می توان حدس زد که در، عمود بر رواق کوتاهی که نقاش در امتداد آن ایستاده است قرار دارد. اگر چنین باشد ممکن است در اصلی در امتداد محور باغ قرار داشته بوده باشد. به نظر می رسد این چهار ستون که رواقی کوتاه و عمود بر در اصلی را شکل می دهند و در عین حال از نظر شکل و تزئینات عیناً هم چون



تصویر ۴. تصویری که ساموئل بنجامین در ۱۳۰۱ ق. از ورودی باغ فردوس ترسیم کرده است؛ (ساموئل بنجامین)

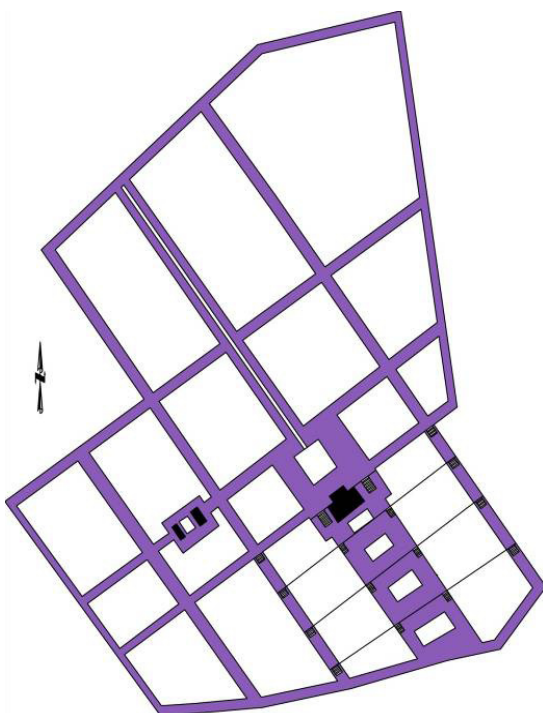


تصویر ۶. مشخص نمودن ردپای خیابان‌های اصیل باغ در بافت موجود در سال ۱۳۸۹؛ (نگارنده، عکس: Google Earth)



تصویر ۵. مشخص نمودن ردپای خیابان‌های اصیل باغ در بافت موجود در سال ۱۳۳۵؛ (نگارنده، عکس: سازمان نقشه‌برداری کشور)

خیابان‌های باغ را از روی عکس‌های هوایی شناسایی کرد. در تصاویر زیر سعی شده است تا با شناسایی ساختار اصیل خیابان‌های باغ، محل آنها در عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۸۹ نشان داده شود (تصاویر ۵ و ۶). سپس نتایج این بررسی‌ها در نقشه‌ای که خیابان‌های باغ را نشان می‌دهد ترسیم شده است (تصویر ۷).



تصویر ۷. نقشه خیابان‌های باغ فردوس براساس بررسی اسناد موجود (مأخذ: نگارنده)

از آن گرفته شد و مقداری از باغ اندرونی و عمارت داخل آن که توسط دکتر محمود افشار خریداری شده بود، باقی ماندند و به‌نظر میرسد که ساختار اصیل آنها قابل شناخت و بازبانی هستند. با مراجعه به عکس‌های هوایی قدیمی که در شروع این تغییرات از محدوده مورد نظر برداشته شده است نیز می‌توان تاحدودی به‌شکل اصیل خیابان‌های باغ نزدیک شد.

براساس اظهار نظر ستوده می‌توان چنین برداشت کرد که باغ اصلی دست کم دارای دو خیابان طولی سراسری و بلند در دو جانب شرقی و غربی خود بوده است که به‌واسطه شیب زمین در برخی نقاط آن پله‌هایی تعبیه شده و در دو جداره خیابان‌های یادشده نیز درختان چنار کاشته بوده‌اند (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۲۰). برخی از این چنارها هنوز هم در محوطه‌ها و کوچه‌های پیرامون دیده می‌شوند. اگر این مطلب را درکنار جهت و سوی عمارت بازمانده و سردری که از آن صحبت شد قرار دهیم و با توجه به چنارهای باقی‌مانده در محلی که اکنون به پارک تبدیل شده است و به‌احتمال فراوان درگذشته خیابان اصلی و بخشی از میان‌کرت باغ بوده است، به این نتیجه دست خواهیم یافت که باغ یا دست کم بخشی از آن ساختاری طولی در جهت شمالی-جنوبی داشته است. همچنین، این خیابان‌ها ساختار شیب‌دار و مطابق باغ را نمایش می‌داده‌اند. با توجه به این‌که در زمان فروش زمین‌های باغ، خیابان‌ها از سایر زمین‌ها جداشده و به‌فروش نرسیدند^{۱۸} و مسیرهای جدید رفت‌وآمد نیز بر همان مسیرهای پیشین ساخته شدند، می‌توان بعضی از



تصویر ۸. عکسی که در سال ۱۲۹۶ ق. از نمای جنوبی عمارت باغ فردوس برداشته شده است؛ (سمسار، ۱۳۸۶: ۲۱۱)

منابع آب و نحوه گردش آن

آب مورد نیاز باغ فردوس از دو قنات محمدیه (مجیدآباد)^{۱۹} و قنات باغ فردوس^{۲۰} تأمین می شده است. درباره شیوه آبیاری و گردش آب باغ فردوس کمتر مطلبی گفته شده است. بنجامین که در سال ۱۳۰۱ ق. این باغ را دیده است، می گوید که در اینجا برخلاف سایر امکنه ایران نه حوضی است و نه جویی و در یک طرف آن در زیر درختها آخورهای آجری برای اسب ساخته اند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۶۹). البته ممکن است باغ در زمانی که بنجامین آن را دیده، حوض یا مسیریایی برای نمایش آب نداشته اما با توجه به این که قناتی که برای آبیاری باغ استفاده می شده در شمال آن قرار داشته، احتمالاً دست کم در باغ جوی یا جوی هایی برای آبیاری وجود داشته که چندان جلوه ای نداشته است. در یادداشت های دوست علی معیری که توسط فرزندش محمد علی معیری در مقاله ای به چاپ رسیده است نیز به آب نماها و حوض هایی اشاره می شود که در تخت های متعددی که در جنوب عمارت به وجود آورده بودند، ساخته شده بود: «برابر نمای جنوبی عمارت کنونی زمینی وسیع و سراشیب بود که آن را با ساختن سنگ چین ها به صورت هفت قطعه مسطح درآوردند که هریک را با دیگری چند متر اختلاف سطح و مساحت بود. آن گاه روی هریک از قسمت ها استخری با فواره ایجاد نمودند. استخرها به نسبت وسعت زمین و فاصله از عمارت بزرگ و بزرگ تر می شد و جهش فواره ها از ایوان طبقه دوم منظره بسی دلگشا داشت» (معیری، ۱۳۵۲: ۵۳۰). معیری در جای دیگری نیز به یک استخر در سمت شمالی عمارت اشاره می کند و استخرهای باغ را ساخته شده توسط دوست علی خان نظام الدوله می داند (معیری، ۱۳۷۶: ۲۶۷). احتمالاً استخرهای باغ در زمان دوست محمدخان و به دلیل بی توجهی و عدم رسیدگی متروک مانده و به مرور تخریب شده است؛ چراکه در هیچ یک از عکس هایی که در این دوره از بنا تهیه شده است، هیچ استخر و جوی آبی مشاهده نمی شود. عکسی که در سال ۱۲۹۶ ق. از سمت جنوبی عمارت برداشته شده (تصویر ۸)، زمین وسیع مستطیلی صاف و بدون درختی را نشان می دهد که اطراف آن گیاهانی که به نی شباهت دارند روئیده اند که می تواند نشانی از یکی از استخرهای چندگانه قدیمی و جوی های باغ باشد که به تدریج ویران شده و با خاک تسطیح شده اند. تخریب استخرها در این زمان ممکن است به دلیل

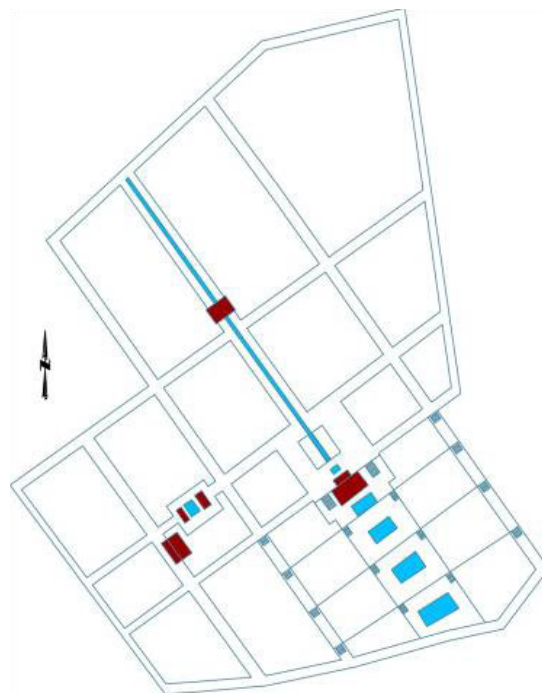
کم آب بودن قنات محمدیه نیز باشد که به عنوان منبع آب باغ استفاده می شده است؛ چراکه بعد از این زمان تنها در زمان مالکیت سپهسالار است که توصیفاتی از استخرهای باغ شده و این زمانی است که سپهسالار قنات جدید باغ فردوس را ساخته است. اگرچه ستوده سپهسالار را سازنده استخرهای باغ می داند^{۲۱} اما با توجه به مطالبی که پیشتر ذکر شد، می توان حدس زد که سپهسالار پس از احداث قنات جدید، استخرهای پیشین باغ را احیاء نموده یا این که دوباره استخرهایی مشابه آنچه پیش از آن در باغ وجود داشته به وجود آورده است. از این گونه مطبق کردن محوطه باغ و ایجاد استخرهای وسیع در طبقات آن در برخی باغ های دیگر تهران مانند باغ صاحبقرانیه (نیاوران) و قصر قاجار نیز شواهدی در دست است. مشاهده دقیق عکس های هوایی مشخص می کند که تا سال ۱۳۵۸ هنوز استخر جنوبی عمارت باغ وجود داشته و در محل استخر شمالی هم یک حوض کوچک ساخته شده بوده است. علاوه بر این ها استخری که در حال حاضر نیز در محوطه پشتی «مؤسسه لغت نامه دهخدا» و در «موقوفات دکتر افشار» به چشم می خورد، از استخرهای اصیل باغ به شمار می رود.^{۲۲} در حال حاضر تنها یک حوض کوچک در شمال عمارت اصلی و جوی آب متصل به آن، مسیر گردش آب مجموعه را تشکیل می دهند که هیچ یک از آنها شباهتی به نمونه های اصیل خود ندارند. موقعیت فرضی استخرهای باغ و جوی های آن، به صورتی که از مطالعه اسناد موجود قابل درک است در نقش های نشان داده شده است (تصویر ۹).



و چنارهای عالی که مانند ستون بالا کشیده بر این اراضی سایه می‌افکند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۶۸). مسئله مبهم در اینجا عکس‌هایی است که از باغ فردوس پیش از سال ۱۳۰۱ ق. وجود دارد. در این تصاویر، در سمت جنوبی عمارت یکی از تخت‌های باغ که کاملاً خالی از درخت است به چشم می‌خورد. از آنجایی که قسمت جنوبی باغ به چندین تخت که هر کدام با دیگری چند متر اختلاف سطح داشته است تقسیم می‌شدند و با توجه به دلایل موجود برای وجود استخرهای متعدد در این سمت از باغ ممکن است درختان اشاره شده تنها در پایین‌ترین تخت و در منتهی‌الیه جنوبی باغ وجود داشته‌اند. دوست‌علی خان معیرالممالک نیز در کتاب «وقایع‌الزمان، خاطرات شکاریه» به چنارهای باغ فردوس اشاره می‌کند.^{۲۴}

دیولافوآ نیز از جمله کسانی است که در سال ۱۲۹۹ ق. باغ فردوس را دیده و در سفرنامه خود اشاره کرده است که در وسط باغ که پر از چنارهای قطور و بلند است، قصر ناتمامی دیده می‌شود که در شرف خراب شدن است (دیولافوآ، ۱۳۶۹: ۱۶۰). در هر حال، بسیاری از این درختان در زمان دوست‌محمدخان معیرالممالک از بین رفتند. اعتمادالسلطنه در شرح خاطرات خود در سال ۱۳۰۴ ق. این مسئله را بیان می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۵۶۹). علی‌اکبر بن عبدالجلیل چاپارباشی^{۲۵} هم در نوشتار خود درباره جغرافیای شمیران، مشابه همین نظر را درباره باغ فردوس در این زمان ارائه می‌دهد: «... پارسال و امسال هر روز صد نفر عمده هریک روزانه صد تومان ضرر فاحش زده به حکم آن ناخلف پسر تمام آن عمارت را کوبیده و درختان قوی‌هیکل آنجا را که هریک در رفعت و بلندی با چرخ برین هم‌سری می‌نمود از بیخ و بن بریده، به سوخت مطبخ و کارخانه تماماً آتش زده بسوخت» (علی‌اکبر بن عبدالجلیل، ۱۳۴۵). تعدادی از این درختان چنار تاکنون نیز باقی مانده‌اند و دیدن برخی از این درختان کهن در مواردی می‌تواند مدرکی برای یافتن ساختار مبهم باغ در میان کوچه‌ها و خیابان‌های امروزی شهر باشد (تصویر ۱۰).

در این باغ مانند باغ‌های دیگر، گیاهان دیگری غیر از چنار هم کاشته می‌شده است. علی‌اکبر چاپارباشی از درختانی مانند توت، از گیل، سیب، گلابی، زردآلو، آلوچه و ... که کاشت آنها در شمیران و باغ‌های آن معمول بوده است یاد می‌کند (علی‌اکبر بن عبدالجلیل، ۱۳۴۵: ۵۵۰). مستوفی در جلد اول کتاب «شرح زندگانی من» درباره مراسم عروسی دوست‌محمدخان معیرالممالک که در باغ فردوس



تصویر ۹. نقشه‌ای از باغ فردوس شامل باغ اصلی و باغ‌های هم‌جوار آن که محل تقریبی استخرها و جوی آب باغ در آن نشان داده شده است (نگارنده)

درختان باغ

در باغ فردوس بیشترین گونه درختی که در منابع مختلف اعم از منابع تصویری و نوشتاری به آن اشاره شده، درخت چنار است. همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، اولین مالک باغ^{۲۶} تعداد قابل توجهی چنار در باغ کاشته است. در زمان دوست‌علیخان نظام‌الدوله یعنی دومین مالک باغ، کسی که بیشترین آبادانی را در باغ انجام داد، نیز باغ پر از درختان چنار بوده است. مدرکی که باغ را در این زمان توصیف کند در دست نیست، اما از توصیفات که در زمان دوست‌محمدخان فرزند دوست‌علی‌خان از باغ شده و عکس‌هایی که از آن زمان موجود است، نکات مبهم بسیاری شکل می‌گیرد. از جمله این مدارک، چنان که پیشتر نیز به آن اشاره شد، توصیفات بنجامین است که در سال ۱۳۰۱ ق. باغ را دیده و توصیف کرده است. او به انبوهی از درختان چنار در سمت جنوبی عمارت باغ اشاره می‌کند که جنگل انبوهی از چنار را ایجاد کرده‌اند و ادامه می‌دهد که این درخت‌ها را به گونه‌ای مرتب کاشته‌اند که وقتی شخصی از عمارت نظری بر آن بیندازد، سطحی مخملی مانند می‌بیند. در میان این درخت‌ها عمارت وسیعی است مزین به باغچه‌های گل و در عقب عمارت اراضی وسیعی هست

بناهای باغ

از ابتدای برپایی باغ فردوس تاکنون بناهای متعددی در این باغ ساخته شده است. اولین عمارت این باغ، بنا بر دست نوشته های دوست علی خان معیرالممالک، عمارتی دوطبقه بود که در زمان محمدشاه قاجار توسط حسینعلی خان معیرالممالک و به سبک فیلگوش^{۲۶} بنا نهاده شد (معیری، ۱۳۵۲: ۵۳۰). این بنا که در شمال باغ قرار داشت، پس از ساخته شدن عمارت دوم توسط دوست علی خان نظام الدوله^{۲۷} متروک ماند و به مرور تخریب شد. عمارت دوم که بنای اصلی باغ محسوب می شده است، همان بنایی است که تاکنون باقی مانده است و اکنون به عنوان موزه سینما استفاده می شود. از چگونگی این عمارت در زمان شکوه آن اطلاعات دقیقی در دست نیست. ستوده عمارت اصلی باغ را ساخته دست استادان اصفهانی و یزدی می داند (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۱۷). دیولافوآ نیز که باغ را در زمان خرابی آن دیده و آن را بنایی نیمه تمام توصیف می کند، به نقاشی های روی دیوارهای عمارت اشاره می کند و آنها را کار یک نقاش مبتدی ایتالیایی می داند (دیولافوآ، ۱۳۶۹: ۱۶۰). بنجامین برخلاف دیولافوآ از زیبایی های باغ و عمارت مکرراً اظهار شگفتی می کند و توصیف مفصلی از عمارت ارائه می دهد که می توان نکاتی را از متن او دریافت:^{۲۸}

۱- وسعت و رفعت بنا که آن را با باغ و چنارهای بلند اطراف متناسب می کند.

۲- ایوان هایی با ستون های کم تعداد و قطور با گچ بری های عالی با نقوش گیاهان که وی آنها را امتداد مناظر باغ اطراف می داند.

۳- تالارهای طبقه سوم که دو سوی آنها به جهت تهویه، دالان های باز قرار داده شده و با درهای ارسی منبت با بیرون ارتباط دارند.

همان طور که گفته شد، در زمان دوست محمدخان باغ و عمارت آن به دلیل بی توجهی و عدم استفاده صحیح دچار خرابی های بسیار شد. بنجامین به این تخریب ها اشاره می کند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۶۸). ستوده نظری مشابه دارد و اشاره می کند که دوست علی خان به باغ و ساختمان آن اهمیتی نمی داد و هر وقت به بیلاق می آمد، نزدیک مظهر قنات زیر چنارها چادر میزد و از پاتوق های شکار او بود و اتاق هایی که نزدیک به قنات وجود داشت، آبدارخانه آن مرحوم بود و بعدها که برای شکار به سوهانک می رفت سبب شد که این ساختمان رو به خرابی گذاشت و سنگ های مرمر بنا به عمارت امپریه (مدرسه نظام فعلی) برده شد



تصویر ۱۰. دو چنار کهن باغ فردوس که در خیابان های اطراف باغ باقی مانده اند؛ عکس از بخش جنوبی خیابان بخشایش است که خیابان طولی جانب غربی باغ اصلی بوده است (مأخذ: نگارنده)

برپا شده بود، نقل می کند که به دستور معیرالممالک میوه های باغ او را در نقل می کردند و به مهمانان تعارف می نمودند. معیری نیز به گل های اطلسی که در اطراف استخرها کاشته می شده اند، اشاره می کند (معیری، ۱۳۷۶: ۲۶۷). تصویری نیز از باغچه بندی و گلکاری محوطه شرقی عمارت باغ فردوس در سال ۱۲۹۶ ق. موجود است که شکل های معمول در باغچه بندی اصیل باغ را نشان می دهد (تصویر ۱۱). در این تصویر می توان برخی نهال های آماده کاشت و برخی گلدان های تزئینی را مشاهده کرد.



تصویر ۱۱. عکسی که در سال ۱۲۹۶ ق. از محوطه شرقی عمارت باغ فردوس برداشته شده است (سمسار، ۱۳۸۶: ۲۱۲)



تصویر ۱۳. عکسی از نمای شمالی عمارت باغ فردوس در سال ۱۲۹۶ ق؛ (سمسار، ۱۳۸۶: ۲۰۸)



تصویر ۱۴. تصویری از نمای جنوبی و غربی عمارت باغ فردوس در زمان قاجار؛ (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

بنا به موزه‌سینما، برای تطبیق با کاربری جدید، تغییرات جزئی مانند نورپردازی داخل و خارج عمارت، پوشاندن دیوارهای داخلی با گچ، تقسیمات داخلی با دیوارهای سبک، تغییر کف‌سازی اتاق‌ها و از این جمله در بنا به وجود آمد. مطمئناً به جز این عمارت، بناهای دیگری نیز در باغ وجود داشته‌اند؛ اما مسلماً از لحاظ اهمیت هیچ‌یک از آنها به پای عمارتی که بحث آن رفت نمی‌رسیده‌اند. یکی از این‌ها عمارت اندرونی بوده که در باغ اندرونی استقرار داشته است. از شکل این بنا اطلاعاتی موجود نیست. ستوده ساختن اندرونی و حمام سمت غرب باغ را منسوب به امین‌الملک و ساخته‌شده در سال ۱۳۱۸ ق. می‌داند (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۱۸) ولی معیری می‌گوید که اندرونی موسوم به «رشک بهشت» توسط دوست‌علی‌خان نظام‌الدوله در جنوب غربی باغ ساخته شده است (معیری، ۱۳۷۶: ۲۶۸). در هر صورت، ستوده این بنا را ساختمانی یک طبقه با سقف شیروانی و با مساحت تقریبی هزار مترمربع توصیف می‌کند (ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۲۳). از کل این بنا در حال حاضر تنها دو ستون آجری در حد شمالی و جنوبی ایوانی مشرف به یک استخر باقی مانده است که



تصویر ۱۲. عکسی از نمای شمالی عمارت باغ فردوس در سال ۱۳۱۱ ق؛ (سمسار، ۱۳۸۶: ۲۰۹)

(ستوده، ۱۳۶۵: ۱۰۱۷). علاوه بر این متون، تصاویری نیز از باغ در سال‌های مختلف تهیه شده که گویای بسیاری از نکات است. از جمله این تصاویر، عکس‌هایی از نمای جنوبی و شمالی عمارت مربوط به سال‌های ۱۲۹۶ ق. و ۱۳۱۱ ق. است (تصاویر ۸، ۱۲ و ۱۳). در عکس‌های مربوط به سال ۱۲۹۶ ق. دو دهنه از سه دهنه قوس‌های تالارهای دو سمت سالن اصلی طبقه سوم بنا برداشته‌شده (یا تخریب‌شده) و پس از آن احتمالاً برای جلوگیری از بارش باران روی سقف طبقه پایین با سقف‌های شیروانی و به صورت کاملاً ناسازگار با معماری عمارت پوشانده شده است. در عکس مربوط به سال ۱۳۱۱ ق. تالارهای دوطرف با چهاردهنه طاق قوس که کاملاً جدید هستند، بازسازی شده است. علاوه بر تصاویر یادشده، تصویری هم از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به دست آمد که تاریخی برای آن ذکر نشده است اما به گمان قوی این عکس تصویری از عمارت در زمانی پس از تخریب کامل تالارها و پیش از بازسازی دوباره آنها ارائه می‌کند (تصویر ۱۴).

البته نکات دیگری نیز از این عکس‌ها دریافت می‌شود. به عنوان مثال سنگ‌های مرمر ازاره‌ها و بدنه بنا که در تصویر ۱۲۹۶ ق. برداشته شده و در تصویر ۱۳۱۱ ق. ترمیم شده‌اند^{۲۰} و پله‌های جلوی عمارت که در ابتدا بسیار ساده بوده و سپس در فاصله سال‌های ۱۲۹۶ ق. تا ۱۳۱۱ ق. به شکلی جدید تغییر یافته است.

ایوان‌های دوسوی سالن اصلی بنا که در نوشته‌های بنجامین اشاره شده که به دلایل اقلیمی و برای ایجاد تهویه بوده است، در دوره پهلوی و به دستور رضاشاه به فضای بسته تبدیل شد (ستوده، ۱۳۷۴: ۲۴۷). در این دوره در مراحل مختلف، تعمیراتی نیز در عمارت انجام شد^{۲۱} و در نهایت در سال‌های اخیر نیز پس از تبدیل کاربری این

در جای خود و در داخل محوطه «موقوفات دکتر افشار» نگهداری شده و کتیبه‌ای روی یکی از آنها نصب شده که تاریخچه آنها را به‌طور خلاصه بازگو می‌کند.

بازیابی ساختار و شکل باغ فردوس

در بخش‌های پیشین به تفکیک به بررسی و مطالعه نقش عوامل مختلف در شکل‌گیری باغ پرداختیم. از جمله از بررسی بستر استقرار باغ در گذشته و نیز مطالعه آن در وضعیت امروزی و در مقایسه با محدوده‌های که امروز تحت عنوان باغ فردوس شناخت می‌شود تلاش شد تا بخش‌های منفک‌شده از باغ شناسایی شوند. در عین حال تلاش شد تا برای این دگرگونی شکلی و گسیختگی باغ مدلی ارائه شود تا بتوانیم سیر تغییرات آن را بازشناسی کنیم. از جمله با بررسی محوطه‌های منفک‌شده که امروز به خیابان‌ها و کوچه‌هایی در پیرامون تبدیل شده‌اند و نیز با استناد به برخی اسناد دریافتیم که بسیاری از آنچه از معابر اطراف باغ امروزه قابل شناسایی هستند، در گذشته خود از جمله خیابان‌ها و معابر باغ بوده‌اند.

هم‌چنین با استناد به دقیق‌ترین سند موجود در مورد مساحت مساحتی شده باغ و انطباق آن با ساختار بافت شهری پیرامون که خود بیش از دگردیسی شکلی، شاهد تغییر مالکیتی و کارکردی بوده است، دریافتیم که چگونه ساختار باقی‌مانده و در عین حال کم‌رنگ‌شده باغ از درون بافت بلافاصله پیرامون اثر قابل تفکیک است. در این میان توجه به بخش‌های برشمرده شده اصلی از جمله باغ اندرونی و باغ قلمستان، به بازیابی عرصه و محدوده اصلی اثر کمک شایانی کرده است. هم‌چنین از بررسی هرچند جزئی که بیش‌تر زاده ناکافی بودن مدارک باقی‌مانده است، توانستیم تصویری شماتیک از نحوه حضور آب در باغ را یادآور شویم. درختان چنار تنومندی که در کوچه‌ها و معابر پیرامون باغ قابل شناسایی هستند، در قیاس ظاهری با درختان چنار حاشیه خیابان ولیعصر نشان از قدمت بیشتر را گوشزد می‌کنند و بر تحلیل رفتن باغ در بافت شهری نه‌چندان قدیمی پیرامون گواهی می‌دهند. در عین حال دیدیم که اساس این بافت، بر مبنای اسناد یافت‌شده نمی‌تواند از دهه‌های آغازین حکومت پهلوی فراتر رود.

از دو ورودی مجزای باغ نیز توانستیم اسنادی را بیابیم. هرچند احتمالاً باغ ورودی‌های دیگری نیز داشته است، اما آنچه یافت‌شده در بازسازی تصویر کلی باغ بسیار

تأثیرگذار خواهد بود. سردر شمالی که خود به‌هنگام عکسبرداری نشان می‌دهد از حال و روز خوبی برخوردار نیست، آن قدر حجیم است که گوشزد می‌کند در روزگار رونق باغ چه نقش پررنگی برعهده داشته یا دست کم نقشی پررنگ برای آن تصور شده بوده است. سردر دیگر که تصویر کاملی از آن نداریم، در عین حال نحوه ورود به باغ را به‌خوبی نمایش می‌دهد. علاوه بر اشاره ستوده، از بررسی پرتو آفتاب و شکل سایه نیز نمی‌توان این سردر را در جایی جز جبهه جنوبی باغ قرار داد. تکرار موتیف چهار ستون گچ‌بری‌شده که در میانه دو نمای شمالی و جنوبی عمارت اصلی وجود دارد، عیناً در اینجا نیز دیده می‌شود لذا روشن می‌شود که این ورودی به احتمال فراوان در راستای عمارات اصلی و هم‌محور با آن و در مجاورت میدانگاه جنوب باغ بوده است.

عرصه‌های فضایی درون مجموعه

با در نظر گرفتن تمامی موارد برشمرده می‌توان ساختاری مرکب را برای باغ بازسازی کرد. این فضای کلی از سه جزء باغ اصلی، باغ اندرونی و باغ قلمستان تشکیل شده است. به نظر می‌رسد همان‌طور که در ترسیم نقشه‌های پیشین نمایش داده شده است، گذر واقع در بر جنوب شرقی باغ (خیابان توتونچی) که در میانه خود و در پایین‌ترین قسمت باغ اصلی، میدانگاهی را دربردارد، حد نهایی محوطه اثر در سمت جنوب باشد. شکل این گذر با ساختارهای برجای‌مانده از باغ که شکل خودشان را به بافت پیرامون انتقال داده‌اند، کاملاً متفاوت است و وجود میدانگاهی در میانه آن نیز بر اصالت شکلی آن تأکید دارد. این میدانگاه هنوز هم تحت عنوان میدان تختی در بالاترین حد منطقه الهیه و در جنوب دبیرستان آل‌احمد - که در درون زمین‌های وابسته به باغ فردوس مستقر شده است - وجود دارد (تصویر ۱).

با نگاه این‌چنین به بافت پیرامون، خیابان پرزین بغدادی (به موازات خیابان مقدس اردبیلی) و امتداد آن به‌نام بهار که شکل و جهت بافت در سمت شمال آن تغییر خواهد کرد، حد شمالی باغ خواهند بود. نکته قابل توجه در این میان نام قدیمی این خیابان - پرزین بغدادی - است. این خیابان تحت عنوان قدیمی باغستان یکم، در جنوبی‌ترین بخش منطقه‌ای است که خیابان‌های آن به‌نام باغستان نام‌گذاری شده‌اند. حد غربی اثر خیابان قلمستان



نحوه ارتباط سه باغ با یکدیگر

مجموعه بازایی شده عرصه‌ای متشکل از سه حوزه را نشان می‌دهد. باغ اصلی در میانه مجموعه و دو باغ اندرونی و قلمستان در جانب غربی و شرقی قرار گرفته‌اند. در باغ اصلی ارتباط دو بخش شمالی و جنوبی، از طریق محوطه پیرامون عمارت اصلی ممکن شده است. آثار باقی‌مانده از باغ اندرونی از جمله استخر و بقایای ایوان مقابل آن نشان می‌دهد که خیابان عرضی‌ای که در شمال عمارت اصلی قرار دارد و امروز یک کوچه عمومی (کوچه دلبر) است، یکی از معابر اصلی ارتباط‌دهنده باغ میانی و باغ اندرونی بوده است.

به احتمال فراوان همین کوچه دلبر در شکل اصیل خود یکی از معابر پیونددهنده مجموعه با باغ قلمستان بوده است. لذا دور از ذهن نیست اگر تصور شود که این خیابان عرضی نزدیک به عمارت اصلی مهم‌ترین معبر پیونددهنده بخش‌های مختلف باغ فردوس بوده است.

شکل باغ

شکلی که برای باغ فردوس به دست آمده است، ترکیبی از عناصر مختلف در جایگاه تصور شده برای آنها را نمایش می‌دهد. این شکل بر نقش شالوده‌ای باغ اصلی در میانه مجموعه تأکید دارد. این بخش نظام یافته‌ترین بخش مجموعه است و شکل آن بیش از هر چیز تابع ساختار میانی و خطی آن است که از شمالی‌ترین بخش تا مرز منطقه الهیه امتداد یافته است. صحبت کردن در مورد شکل دو بخش دیگر با این صراحت ممکن نیست اما یافته‌ها نشان می‌دهد که باغ اندرونی در ارتباط بیشتر با عمارت اصلی بوده، دارای ساختارهایی هم‌چون استخر و ایوان مقابل آن بوده و ارتباطی نظم‌یافته با باغ اصلی داشته است. این نظم به میزان کمتری در باغ قلمستان دیده می‌شود. شاید بتوان دلیل این امر را در نام باغ مذکور جستجو کرد. در هر صورت نباید فراموش کرد که نظم یادشده در تمام عرصه‌های باغ، ابزاری برای سازمان‌دهی درونی بوده و به نظر می‌رسد تابع شکل زمین و محدودیت‌های مرتبط با آن است؛ و مهم‌تر این که در شکل کلی مجموعه بدون هماهنگی با ساختار ارگانیک زمین بروز نیافته است.

است که نام خود را از باغ قلمستان اخذ کرده است. با این توصیفات، فضای کلی اثر از سه محدوده به هم متصل باغ اصلی، باغ اندرونی و باغ قلمستان تشکیل شده و مشخص است که احداث خیابان پهلوی در زمان رضاشاه، از هر سه بخش اصلی باغ فردوس عبور کرده و عرصه آن را به دو قسمت - در شمال غرب و جنوب شرق - تفکیک کرده است.^{۳۲} قسمت اصلی باغ، که باغ بیرونی یا آن چیزی است که امروز هم تحت عنوان باغ فردوس از آن یاد می‌شود، قطعه میانی از این مجموعه باغ به هم پیوسته است.

عناصر شاخص تعیین‌کننده ساختار اصلی باغ

دو خیابان طوسی در شرق و بخشایش^{۳۳} (عارف‌نسب) که در غرب محدوده باغ اصلی قرار گرفته‌اند، دو خیابان طولی مهم باغ در گذشته بوده‌اند که به همراه خیابان اصلی باغ - که امروز به پارک باغ فردوس تبدیل شده است - ساختار فضایی باغ اصلی را شکل می‌داده‌اند. در عین حال، این ساختار فضایی از طریق امتداد مجموعه‌ای از عناصر، شامل ورودی شمالی در جنب منطقه‌ای که بعدها خیابان‌هایش نام باغستان به خود گرفته‌اند، خیابان اصلی که به پارک تبدیل شده است، محوطه بلافاصل شمال عمارت اصلی و حوضی که بعدها از میان رفته است، خود عمارت، تخت‌های مطبق جنوب آن به همراه حوض‌ها، ورودی جنوبی و میدانگاهی که این ورودی را در فضای بیرون تعریف می‌کرده، ساخت و نمود فضایی خود را یافته است.

این ساختار فضایی که در تمام امتداد خود حضور درختان چنار را در کنار خود دارد، با دو خیابان شمالی - جنوبی دیگر در دو جنب باغ که امروز به خیابان‌های شهری طوسی و بخشایش (عارف‌نسب) تبدیل شده‌اند، تکمیل شده و باغی کشیده و طولی را در راستای سه خیابان شکل داده است. در بررسی میدانی خیابان امروزی طوسی، که در شیب قابل ملاحظه‌ای قرار گرفته است، مجموعه‌ای از پله‌ها دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که این پله‌ها برجای مسیر خیابان پلکانی طولی باغ که در جانب شرقی آن واقع بوده قرار گرفته است. این ساختار خیابان‌های عرضی متعددی نیز دارد که علاوه بر ارتباط میان سه خیابان طولی، ارتباط باغ اصلی را با باغ اندرون و باغ قلمستان - که به احتمال فراوان باغ و فضای پشتیبانی مجموعه بوده - فراهم می‌کرده است

نتیجه گیری

نتیجه مباحث صورت گرفته را می توان در سه نکته بیان کرد. نخست این که باغ فردوس براساس اسناد موجود قابل بازیابی است و می توان این بازیابی را برای باغ اصلی تا دستیابی به شکل اصیل معماری باغ ادامه داد؛ هرچند در اینجا به ساختار و شکل کلی باغ بسنده شده است. نکته دوم توجه دادن به این مسئله است که بهترین روش برای بازیابی باغ فردوس نگاه دقیق به چگونگی اضمحلال آن در بافت شهری جدید بوده است. به نحوی که اسناد یافت شده در مورد چگونگی تفکیک و تخریب باغ، بهترین اطلاعات در مورد بازیابی آن را به همراه داشتند. سومین نکته را می توان در شکل ترکیبی باغ جستجو کرد که به نظر می رسد تابعی از نیازها و شرایط موجود بوده است. این شکل ترکیبی توسط ساختاری که در تمام طول باغ امتداد دارد قوام یافته است.

پی نوشت

- ۱- در لغت نامه دهخدا از دهات و آبادی هایی نام برده شده که نامشان از ترکیب واژه «باغ» و یک واژه دیگر ساخته شده است؛ مانند باغ خانک، باغ چنار، باغ جنت و باغ جمال (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۳، ۳۶۰۷-۳۶۳۰).
- ۲- درباره اولین کسی که اقدام به برپایی باغ فردوس کرد، ابهاماتی وجود دارد که در بخش بعد به آن پرداخته خواهد شد.
- ۳- برخی ساختارهای موقت در محدوده باغ و نیز سالی برای نمایش فیلم در جبهه غربی محوطه و بنای ناتمام فیلم خانه ملی ایران که در جنوب عمارت اصلی قرار دارد از این جمله اند.
- ۴- هم چنین نک: منوچهر ستوده، *جغرافیای تاریخی شمیران*، ص ۲۴۴.
- ۵- نک: محسن معتمدی، *جغرافیای تاریخی تهران*.
- ۶- دوست علی خان معیر الممالک، نوه ناصرالدین شاه و فرزند دوست محمد خان معیر الممالک، خاطرات خود را در چند کتاب به نگارش درآورده است. محمدعلی معیری، فرزند دوست علی خان نیز پس از فوت پدر تعدادی از دست نوشته های منتشر نشده او را در قالب چند مقاله در مجله یغما به چاپ رسانیده است.
- ۷- در اواخر دوران فتح علی شاه، حسینعلی خان که داماد خاقان نیز بوده به منصب معیر الممالکی منصوب شد (معیر الممالک، ۱۳۶۱: ۳۴). او در زمان حکومت محمد شاه و اوایل حکومت ناصرالدین شاه خزانه دار و مسئول ضرابخانه شاهی بود. او پس از وفات محمد شاه، برای به تخت نشاندن ناصرالدین شاه به مهدعلیا کمک کرد.
- ۸- از جمله این اسناد می توان به کتاب ها و مقالات منوچهر ستوده، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، شرح زندگانی من نوشته عبدالله مستوفی، مقاله علی اکبر بن عبدالجلیل چاپارباشی و حتی نوشته های فرزند دوست محمد خان، یعنی دوست علی خان معیر الممالک اشاره کرد.
- ۹- ستوده اشاره می کند که حاجی میرزا حسین، پسر حاجی میرزا خلیل تاجر شیرازی که در سرای امیر حجره داشت به فکر عمارت ییلاقی افتاد. باغ فردوس را خرید و دست به تعمیرات آن زد. چند سالی مالک این باغ بود و در آن مهمانی ها داد. پس از او که به شیراز بازگشت، میرزا حسین تهرانی مالک باغ شد. پس از فوت او اراضی باغ میان ورثه تقسیم شد و وراثت هر یک سهم خود را فروختند. در حدود سال ۱۳۱۸ ق. میرزا اسماعیل خان امین الملک - برادر امین السلطان اتابک - آنجا را خریداری کرد. پس از او، ورثه اش از عهده نگهداری باغ برنیامدند. در حدود سال ۱۳۲۹ ق. برای سومین بار باغ رو به خرابی گذاشت تا این که محمدولی خان سپهسالار تنکابنی (خلعتبری) آن را از وراثت امین الملک به مبلغ هجده هزار تومان خرید (ستوده، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۰۱۸ و ۱۰۱۹).
- ۱۰- استناد این نوشتار به پرونده مربوط به گزارش های دادگاه معاملات باغ فردوس تهران است که به شماره ۱۳۸۵۶/۲۴۰ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می شود.
- ۱۱- در حال حاضر نیز عمارت داخل باغ، به عنوان موزه سینما مورد استفاده قرار می گیرد. بخش هایی از باغ که هنوز با نام باغ فردوس شناخته می شد، در تاریخ ۱۱ مردادماه سال ۱۳۷۶ به شماره ۱۸۷۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. هم چنین لازم به ذکر است که دکتر محمود افشاریزدی در ۱۳۱۶ ش. قسمتی از باغ و ساختمان اندرونی که در زمان امین الملک به اراضی باغ اضافه شده بود و حدود ۶۰۰۰ متر مربع مساحت داشت را خرید و به تدریج با خریدن قطعات اطراف، مساحت باغ را به ۱۲۰۰۰ متر مربع رسانید. سپس در ۱۳۳۷، باغ و ساختمان های داخل آن را وقف امور فرهنگی کرد، از جمله در ۱۳۵۲، قسمتی از آن برای استقرار «مؤسسه لغت نامه



دهخدا» و «مؤسسه باستان‌شناسی» به دانشگاه تهران واگذار شد که هم‌چنان دایر است (ستوده، ۱۳۶۵، ج ۲، ۱۰۲۳).

۱۲- دوست‌علی معیری در کتاب وقایع‌الزمان خاطرات شکاریه، از تعدادی از این باغ‌ها سخن گفته‌است. از جمله باغ ظهیرالاسلام، باغ محسن‌خان، محمودیه و باغ خودش که در نزدیکی باغ فردوس قرار گرفته بوده است. از میان این باغ‌ها، باغ ظهیرالاسلام در قامت یک گورستان قدیمی، هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد.

۱۳- معیرالممالک در کتاب نامبرده در بالا، مکرراً به شکار پرندگان در دوران کودکی و جوانی‌اش که در حوالی باغ فردوس صورت گرفته است، اشاره می‌کند.

۱۴- در نامه شماره ۸۹۴ و در تاریخ ۱۳۵۴/۶/۱۶، موجود در مرکز اسناد ملی ایران، که از سوی دفتر فرح پهلوی به شهرداری تهران نوشته شده، درباره تجزیه این زمین‌ها و ساخت‌وساز غیر اصولی در آنها اظهار نگرانی شده است.

۱۵- در مورد خیابان‌های باغ و پایه و اساس این گمان‌ها در بخش مربوط به خیابان‌ها توضیحات بیش‌تری داده خواهد شد.

۱۶- مساحت ناحیه مشخص‌شده تقریباً ۲۴۰/۰۰۰ متر مربع می‌باشد که بسیار به مساحت ذکرشده در گزارشات یعنی ۲۲۳/۶۸۰ متر مربع نزدیک می‌باشد. عدد اعلام‌شده در گزارش‌ها به‌جز بخشی از زمین‌هاست که مورد اختلاف بوده و محاسبه نشده است.

۱۷- این بنای سردرمانند به کالسکه‌خانه معروف است. این نام‌گذاری نحوه استفاده از بنا را گوشزد می‌کند.

۱۸- منبع این گفته، گزارش‌های دادگاه معاملات باغ فردوس تهران است که به‌شماره ۱۳۸۵۶/۲۴۰۰ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود.

۱۹ نظام‌الدوله آب این قنات را به باغ فردوس هدایت کرد. مجیدآباد دهی در شمال غربی تهران بود که محمدشاه قصر محمدیه را در آنجا ساخت و آبش از قنات بود. این محل بعداً به محمودیه تغییر نام یافت و مسیر قنات آن منحرف شد و از آن در مشروب‌کردن باغ فردوس استفاده شد (معمدی، ۱۳۸۱: ۵۵۲).

۲۰- قنات باغ فردوس بنا به گفته ستوده و معمدی پس از خشک‌شدن قنات محمدیه و توسط سپهسالار بنا شده است (ستوده، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۰۱۹) و (معمدی، ۱۳۸۱: ۵۵۲).

۲۱- «سپهسالار چند استخر هم با فواره‌های متعدد در طبقات پنج‌گانه باغ احداث کرد. این استخرها چون آب جاری نداشتند، تولید پشه فراوان کردند به‌طوری که مالکان و مستأجران مجاور باغ از هجوم پشه مستأصل و فراری شدند. هریک از این استخرها چندین فواره داشت. لوله‌کشی فواره‌ها به استخر شمالی باغ، که هنوز وجود دارد کشیده شده بود و منبع آب تمام فواره‌ها این استخر بود. هروقت شیر فواره‌ها باز می‌شد، استخرهای پنج‌گانه که در شیب باغ ساخته شده بودند، منظرهای جالب نظر پیدا می‌کردند. اکنون فقط یکی از استخرها در قسمت جنوبی ساختمان باقی است» (ستوده، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۰۱۹).

۲۲- به گفته باغبان معمیری که در حال حاضر امور باغبانی این محوطه را انجام می‌دهد و به گفته خودش حدود شصت‌سال به این کار اشتغال داشته است، پیش از تخریب عمارت قدیمی اندرونی، سه استخر درمقابل سه ایوان عمارت قرار داشته است و اکنون تنها این استخر باقی‌مانده است.

۲۳- همان‌طور که در بخش مربوط به مالکیت باغ آورده شد، درباره این که اولین مالک باغ فردوس چه کسی بوده است، اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی از اسناد حسینعلی‌خان معیرالممالک، پدر دوست‌علی‌خان نظام‌الدوله را پایه‌گذار باغ می‌دانند و برخی دیگر به حسینعلی‌میرزا حاکم وقت تهران اشاره می‌کنند. اما تمام این اسناد از کاشته‌شدن چنارها به‌دست اولین صاحب باغ حکایت می‌کنند.

۲۴- معیرالممالک در این کتاب در ضمن نوشتن خاطرات خود در مواردی از باغ فردوس نام می‌برد. در جایی می‌گوید: «یکشنبه دوازدهم رجب ۱۳۲۹: صبح پس از صرف شیر و چای برخاسته، قدری با اخوی صحبت داشتیم. بعد به یکی دوتا از چنارهای صاف اسم خود و بعضی کلمات خوش‌ترکیب را با مداد نوشته و اخوی با چاقو کند، بسیار خوب شد. این کار را در زمان طفولیت با چنارهای باغ فردوس خیلی می‌کردیم» (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۳۰) و در جای دیگر که به چنارهای بلند آن اشاره می‌کند: «پنجشنبه ۲۲ شعبان ۱۳۲۹: ... خوب به‌خاطر دارم که بنده از دلیچه‌زدن اوایل تیرانداز شدم، چون بسیار آسان است زدنش ... در باغ فردوس به‌واسطه چنارهای بلند همیشه دلیچه زیاد می‌آید و هرروز برای مشق، شهرزاده جهانگیرمیرزا (شاهزاده جهانگیرمیرزا، دایی خانم عصمت الدوله مادر نگارنده است که در کودکی سرپرستی او را به‌عهده داشته است) مرا به تیراندازی وامی‌داشت» (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۳۱).

۲۵- نویسنده این مقاله شخصی است موسوم به علی‌اکبر بن عبدالجلیل چاپارباشی. وی از شاگردان مدرسه ناصری بوده و تحصیلات خود را در قسمت نظام به‌پایان رسانده و چون در مدت اقامتش در تهران همه‌ساله به‌قصد بیلاق در شمیرانات به‌سر برده است، این مقاله را که حاکی از وضع جغرافیایی آن محل در آن ایام است نوشته و گویا در حدود سال ۱۳۱۹ در ایام توقف در سنت پترزبورگ که سمت نیابت سفارت دولت ایران را داشته آن را مرتب و به‌این صورت پرداخته است (مقدمه همان مقاله، سلطان‌القرائی، ۱۳۴۵).

- ۲۶- سبکی برای ساختن کوشک‌ها که به گفته دوست‌علی‌خان در آن زمان سبکی رایج برای ساختمان‌سازی بوده است. با وجود پیگیری، مدرکی از چگونگی بناهایی که به این سبک ساخته می‌شدند، یافت نشد.
- ۲۷- در این باره اغلب اسناد مورد بررسی مانند ستوده، معیرالممالک، بنجامین اتفاق نظر دارند.
- ۲۸- ستوده تخریب کامل این بنا را به میرزاحسین تهرانی نسبت می‌دهد که باغ را در سال ۱۳۰۸ از حاج میرزاحسین، تاجر شیرازی خریداری کرد (ستوده، ۱۳۷۴: ۲۴۸).
- ۲۹- برای اطلاعات بیش‌تر نک: ساموئل گرین ویلر بنجامین، *ایران و ایرانیان*، ص ۱۶۸-۱۷۰.
- ۳۰- با توجه به پیشینه مالکیت بنا که ستوده ارائه می‌کند و همچنین تاریخ‌هایی که در پرونده ثبتی بنا موجود است، به نظر می‌رسد که تخریب‌های اولیه و عکس‌های سال ۱۲۹۶ ق. مربوط به زمان دوست‌محمدخان بوده و برداشتن کامل تالارهای بالا در زمان حاج میرزاحسین تاجر شیرازی انجام شده است. بر همین اساس نوسازی تالارها توسط میرزاحسین تهرانی انجام شده و سرانجام به دستور رضاشاه، دهانه قوس‌ها پوشانده شده و تالارها به فضای بسته تبدیل شده‌اند. اگرچه ستوده نوسازی تالارها را در زمان امین‌الملک می‌داند اما با تطبیق دادن تاریخ‌ها گمان اول درست‌تر به نظر می‌رسد.
- ۳۱- گزارش بخشی از این تعمیرات که مربوط به سال ۱۳۴۴ می‌باشد، به شماره ۳۴۰۰۰۱۹۷ در مرکز اسناد ملی موجود می‌باشد.
- ۳۲- به نحوه عبور خیابان ولی‌عصر از میان عرصه باغ فردوس در تصویر ۲ توجه شود.
- ۳۳- این خیابان، همان است که در بیشتر اسناد مرتبط در دوره پهلوی، برای ارائه آدرس باغ مورد استفاده قرار می‌گرفته است. آدرس مذکور- خیابان پهلوی، خیابان بخشایش، کوچه دلبر- آدرس عمارت و تکه زمین باقی‌مانده از باغ فردوس است که همان‌طور که پیشتر اشاره شد، مورد تفکیک و فروش قرار نگرفت.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۷۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. به کوشش فرخ سرآمد، تهران: نوین.
- امین‌الدوله، علی بن محمد (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین‌الدوله*. به کوشش حافظ فرمانفرمائی، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- عبدالجلیل، علی اکبر بن (۱۳۴۵). «*جغرافیای شمیران*». *مجله یغما*، ۲۲۲، ۵۴۸-۵۵۳.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان: خاطرات و سفرنامه ساموئل گرین ویلر بنجامین نخستین سفیر آمریکا در ایران سال‌های ۱۸۸۳ - ۱۸۸۵ میلادی*. به اهتمام رحیم رضازاده‌ملک، تهران: گلبانگ.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). *لغت‌نامه*. زیر نظر محمد معین، تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغت‌نامه دهخدا.
- دیولافوا، ژان (۱۳۷۶). *سفرنامه: خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش، از ۱۸۸۴ - ۱۸۸۶*. ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- ستوده، منوچهر (۱۳۶۵). «*باغ فردوس*». *پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار)*، جلد ۲، به کوشش ایرج افشار، با همکاری کریم اصفهانیان و محمدرسلول دریاگشت، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۰۱۶-۱۰۲۰.
- ستوده، منوچهر (۱۳۷۴). *جغرافیای تاریخی شمیران*. تهران: پژوهشگاه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۸۶). *سیمای تهران*. جلد ۱، تهران: زیران، موزه عکس‌خانه شهر.
- کلوی، آیلار (۱۳۸۸). «*احیای محور تاریخی-فرهنگی باغ فردوس*». *نشریه الکترونیکی معماری منظر*، ۴۲.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۶۰). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. تهران: زوار.
- معتمدی، محسن (۱۳۸۱). *جغرافیای تاریخی تهران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- معیرالممالک، دوستعلی (۱۳۶۱). *رجال عصر ناصری*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- _____ (۱۳۶۱). *وقایع‌الزمان (خاطرات شکاریه)*. به کوشش خدیجه نظام‌مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- _____ (۱۳۸۸). *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- معیری، محمدعلی (۱۳۵۲). «*باغ فردوس*». *مجله یغما*، ۳۰۳، ۵۲۹-۵۳۲.
- _____ (۱۳۷۶). «*باغ فردوس و عمارت شهری معیرالممالک دو بنای تاریخی از تهران قدیم*». *مجله کلک*، شماره ۲۶۸-۲۶۹، ۹۳-۸۹.



Receive date: 2011/11/12

Admission date: 2012/07/09

Retrieving the Spatial Structure and Form of *Bagh-i Ferdows* in Shemiran

Hamidreza Jeyhani* Samira Mansouri**

Abstract

In Qajar period, due to ethnic interests and characteristics, and also because of continuing traditions of court, garden making was taken into consideration. In Tehran, which was the capital and the home town for the royals, a number of gardens were created by kings, courtiers and princes. Bagh-i Ferdows is one of those gardens which was established by one of courtiers near to Mohammadiyeh Palace, owned by Mohammad Shah. This garden was noteworthy for many years and the family of Moayer al-Mamalek and other owners tried to complete and improve it. The only survived parts of the garden are the mansion built by Doust Ali Khan-i Moayer al-Mamalek, which has been devoted to Cinema Museum, and some part of the garden around this building.

Although the majority of garden's parts have been separated and their land uses have been changed, it is possible to retrieve the original structure and form of the garden based on remained documents and texts. This paper tries to recognize the original features of the garden and its evolution over the time according to field researches and historical documents. Retrieving the original spatial structure and form was done based on studying different parts and elements of the garden, particularly in five categories, after an attempt to recognize the garden. Surrounding context and original and destroyed arena, the entrances and passages, remained trees, irrigation system and also significant buildings are those five categories. These categories and the information derived from them, which in some cases present an image of the garden structure, all together create a true perception of general form of the garden.

Keywords: garden, Bagh-i Fedows, Shemiran, spatial structure, Moayyer al-Mamalek

* PhD Candidate, Restoration Faculty, Art University of Isfahan

** MA, Restoration Faculty, Art University of Isfahan



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله